

# قرائتی صهیونیستی از پیامدهای فاجعه کاروان کمک‌های انسان‌دوستانه به غزه

ترجمه: شیما صابری  
منبع: القدس، شماره ۱۳۹

## ◆ اشاره

تبعات منفی حمله وحشیانه رژیم صهیونیستی به کاروان آزادی در دهم خردادماه گذشته برای صهیونیست‌ها و حامیان غربی، امریکایی و منطقه‌ای آنها، نگرانی‌هایی ایجاد کرده است که در نوع خود برای اولین بار آن هم از سوی افکار عمومی صورت گرفته است. ملاحظات و دید صهیونیستی در برآورد و تحلیل این نگرانی در این مقاله به‌وضوح حاکی از جایگاه و اهمیت خیزش و بیداری جهانی علیه صهیونیست‌ها می‌باشد که جا دارد در نوع و نگرش مبارزه علیه اشغالگران به این ظرایف توجه و در عمل به‌کار گرفته شود.

مرکز داده‌های اطلاعاتی - یکی از اتاق‌های فکر تابع سازمان اطلاعات مرکزی امریکا CIA - در مورد پیامدهای حادثه کاروان آزادی (حامل کمک‌های انسان‌دوستانه به غزه) به بررسی اوضاع امنیت داخلی پرداخته است. تحلیل‌گران این مرکز و برخی از دست‌اندرکاران امر در دستگاه‌های امنیتی امریکا به یاری آنها شتافته‌اند تا به فهم زمینه‌های رخداد این حادثه و تصمیم‌گیری‌های امنیتی صحیح در این مورد و اتخاذ سیاست‌های مناسب در قبال آن نایل آیند.

### ♦ ویژگی‌های بارز حادثه و انعکاس آن

سه ویژگی مهم، حادثه «حمله به کاروان آزادی» را از اتفاق‌های مشابه آن متمایز می‌کند:

۱. این اتفاق در بعد حجمی، در نوع خود بزرگ‌ترین است. به‌گونه‌ای که تظاهرات خارجی در موارد گذشته فقط به تعداد معدودی از فعالان این عرصه محدود می‌شد، اما اکنون این فعالان چندین کشتی مسافربری را برای حمل ۶۰۰ فعال که در این مورد اعلام همبستگی کرده بودند به‌کار گرفته‌اند که این اقدام نگرانی عده زیادی را برانگیخته است.

۲. سابقه نداشته که حوادثی از این دست از مراحل اولیه تجهیز و حرکت مورد توجه رسانه‌ها قرار بگیرند.

۳. مهم‌ترین مطلبی که در مورد این پدیده به‌چشم می‌خورد آن است که این کاروان، اقدام خود را از کشورهای غیرعربی آغاز کرده است. این ترکیه است که سعی می‌کند برای خود در منطقه راهی باز کند و از تمامی فرصت‌ها برای گسترش نفوذ خود بهره ببرد.

صحیح است که سازمان حامی این کاروان، دولتی نیست اما بدون شک دولت ترکیه تمامی تلاش خود را به‌کار بسته که از روابط خود استفاده کند تا شاید بتواند محاصره تحمیل‌شده به غزه را بشکند. این حادثه نیز در راستای سلسله تلاش‌های موفقیت‌آمیزی قرار می‌گیرد که ترکیه برای حل بحران‌های حل‌نشده منطقه به‌کار می‌گیرد.

اکنون که «اسرائیل» به این اقدام پاسخ گفته است، این حادثه بر برخی از رویدادها و روابط بین‌المللی سایه می‌افکند:



**صحیح است که سازمان حامی این کاروان، دولتی نیست اما بدون شک دولت ترکیه تمامی تلاش خود را به کار بسته که از روابط خود استفاده کند تا شاید بتواند محاصره تحمیل شده به غزه را بشکند**



۱. این حادثه به منزله آزمایش بزرگی برای ترکیه است. آیا ترکیه می‌تواند با دید عمیق‌تری به این موضوع بنگرد؟ شاید «اسرائیل» از آنچه در حال روی دادن است چشم‌پوشی کند اما این گزینه در مقابل ترکیه وجود دارد که به دقت نظر در اموری از این دست پردازد.

۲. این حادثه مانعی احتمالی بر سر راه نقشه‌های امریکا در عراق است. در

حالی‌که واشنگتن درصدد کاستن از تعداد نیروهای خود طی چند ماه آتی در این کشور است و در مقابل، ترکیه می‌کوشد جای خالی آن را پر کند به مصلحت ایالات متحده نیست که نابسامانی شرایط را در منطقه تشدید کند.

۳. روابط «اسرائیل» و امریکا در مرحله سردی قرار دارد، به طوری‌که طی ماه‌های گذشته شاهد بودیم «اسرائیل» تلاش کرده است روابط منطقه‌ای خود را برای بهبود جایگاه داخلی‌اش که تحت تأثیر حزب‌های مختلف قرار داشته تحکیم نماید. در خارج نیز سیاست‌های این رژیم در مقابل فلسطین و ایران چندان مورد استقبال ایالات متحده قرا نگرفته است. این‌گونه تلاش‌های «اسرائیل» نتوانسته نظر ایالات متحده را که همچنان امیدوار است در منطقه ثبات نسبی برقرار شود، به دست آورد. بدون شک ثبات، با تجاوز نظامی به غیرنظامیان همخوانی ندارد. در این میان هرقدر «اسرائیل» در توجیه این حادثه دلیل بیاورد پذیرفته نخواهد بود.

هم‌اکنون این حادثه از مسئله‌ای نظامی به مسئله‌ای سیاسی تبدیل شده است. صرف‌نظر از دلایل و اهداف، شکی نیست که اگر «اسرائیل» نیروی نظامی خود را به کار نمی‌بست این کاروان

غیرنظامی به غزه می‌رسید و محاصره آن را می‌شکست.

اکنون تمامی چشم‌ها به آنکارا دوخته شده که هنوز هم به این حادثه توجه دارد و همچنین به واشنگتن که این حادثه را غیرمنتظره توصیف می‌کند.

### ♦ رویارویی با پاسخ ترکیه

**در عرصه داخلی:** رسانه‌های ترکیه به شکلی جدی به این موضوع پرداختند. سؤالی که در این مورد مطرح می‌شود این است که «آیا اگر ترکیه به دقت امور را مورد بررسی قرار می‌داد زمام این موضوع از دستش خارج می‌شد؟» این موضوع از منظر انشقاق سیاسی در داخل ترکیه چندان خالی از خطر نیست. بنابراین برای بررسی بهتر اوضاع باید به پوشش رسانه‌ای داخل ترکیه که خط حکومت را دنبال نمی‌کند توجه کرد.

**در عرصه دیپلماتیک:** باید دید نفوذ ترکیه بین چه کشورهایی رو به گسترش است؟ نباید توقع داشت که ترکیه از ناحیه «اسرائیل» چیزی به دست آورد؛ چنان‌که از ایران و کشورهای عربی نیز چیزی کسب نخواهد کرد. در این میان تنها ایالات متحده باقی می‌ماند. اما ترک‌ها برای بهره‌برداری از این حادثه به نفع خود، چه چیزی می‌توانند به امریکا بدهند؟

**در عرصه نظامی:** در حالی که می‌دانیم شرایط به شکل قابل قبولی پیشرفت کرده است منصفانه نیست اگر بگوییم ترکیه دست به اقدام نظامی خواهد زد. برای بررسی تحولات نظامی ترکیه باید مراقب تحرکات نظامی دریایی این کشور باشیم.

**در عرصه اقتصادی:** با وجود اینکه ترکیه نیز همچون دیگر کشورها تحت تأثیر بحران اقتصادی جهان قرار گرفته است اما نسبت به اکثر کشورهای عربی شرایط بهتری دارد؛ از این رو آنکارا می‌تواند از این حادثه استفاده کند تا به دولتی پیشرو در حمایت از فلسطین بدل گردد. با علم به اینکه رهبران فلسطینی به کمک‌های مالی خارج از فلسطین تکیه دارند وقت آن است که به فهرست اسامی حامیان مالی خارجی نگاهی بیندازیم تا پررنگ شدن نقش ترکیه را

در این زمینه مشاهده کنیم.

در عرصه فلسطین: تاکنون دو جنبش فتح و حماس در مقابل این حمله واکنشی شبیه به هم داشته و آن را محکوم کرده‌اند. حتی بیانیه‌های این دو جنبش با دیگر بیانیه‌هایی که جهان و «اسرائیل» به شنیدن آنها عادت کرده‌اند و تأثیری بر تحولات منطقه‌ای ندارند تفاوت چندانی نداشته‌اند.

سؤال مهم در اینجا این است که «چه کسی از این مسئله در جهت اهداف خود استفاده خواهد کرد؟» این احتمال وجود دارد که طرف‌های مختلف خارجی برای متزلزل کردن شرایط داخلی «اسرائیل» وارد عمل شوند. نکته قابل توجه آن است که حمایت نظامی از فلسطینیان از سوی ایران انجام می‌شود نه ترکیه؛ بنابراین ما باید منابع خود را در تهران و آنکارا به‌طور یکسان فعال کنیم تا پاسخ خود را

هم‌اکنون این حادثه از مسئله‌ای نظامی به مسئله‌ای سیاسی تبدیل شده است. صرف‌نظر از دلایل و اهداف، شکی نیست که اگر «اسرائیل» نیروی نظامی خود را به کار نمی‌بست این کاروان غیرنظامی به غزه می‌رسید و محاصره آن را می‌شکست

دریافت داریم؛ چراکه پاسخ مورد نظر ما نزد فلسطینیان یافت نمی‌شود.

#### ◆ احتمال بالا گرفتن اقدامات نظامی

در مقابل سیل بیانیه‌های صادرشده در محکومیت «اسرائیل» به علت حمله خونین به «کاروان آزادی» که با ۶ کشتی مسافربری و تعداد زیادی از خارجیانی که با غزه اعلام همبستگی کرده بودند، می‌خواست کمک‌های انسان‌دوستانه را به غزه برساند، این رژیم

آمادگی نظامی خود را برای رویارویی با هر گونه واکنش نظامی از سوی حماس یا حزب‌الله افزایش داد.

به نظر می‌رسد حماس، فتح و حزب‌الله هنوز هم سرگرم تدارک پاسخ نظامی مناسب هستند. اما «استراتفور» هیچ علامتی مبنی بر وجود پاسخ نظامی مشاهده نکرده است.

اکنون رویکرد غالب طرف فلسطینی و حزب‌الله آن است که «اسرائیل» همچنان در کانون توجه و اتهام از سوی دیگران باشد بدون اینکه کسی فلسطینیان را محکوم کند.

از سویی به نظر می‌آید حزب‌الله و ایران درصدد هستند از این حادثه به مصلحت سیاسی خود بهره ببرند، اما همان‌گونه که منابع نزدیک به حماس اعلام کردند این جنبش تا بیست‌وچهار ساعت پس از این حادثه دست به پرتاب موشک نخواهد زد. باید دانست که حماس برای انتقام‌جویی بر حزب‌الله مقدم است.

در حالی‌که جنبش فتح درصدد یافتن پاسخی سیاسی است، رهبران دولت فلسطین به دو امر توجه می‌کنند؛ یا دست کشیدن از مذاکرات صلح (این فشار، دعوت امریکا به مذاکره را از «اسرائیل» متوجه فتح خواهد کرد) یا افزایش میزان نفوذ در داخل فلسطین از طریق اکتفا به محکوم کردن این حمله و خودداری از پاسخ نظامی به حماس.

در حال حاضر این سه گروه در حال سازماندهی تظاهراتی گسترده برای بزرگ نشان دادن این مسئله هستند و می‌خواهند به این ترتیب پس از یک دوره طولانی رکود سیاسی در فلسطین برای فلسطینیان جلب حمایت کنند.

ترجیح بر آن است که تظاهرات مردمی، داخل غزه برگزار گردد. این احتمال هم وجود دارد که در مقابل نمایندگی‌های سیاسی «اسرائیل» در تعدادی از پایتخت‌های کشورهای اروپایی و اسلامی تظاهراتی برگزار شود.

با توجه به عدم احتمال نشان دادن واکنش نظامی از سوی گروه‌های اصلی فلسطینی و سازمان‌های همگام با آنها، خطر حمله از سوی گروه‌های کوچک همچنان پا برجاست.

در کشورهایی که مراکز تجاری و سیاسی «اسرائیل» در آنها وجود ندارد احتمال می‌رود که

نهادهای و مراکز امریکایی مورد حمله قرار گیرند، اما گروه‌های بزرگ، این استراتژی را به‌کار بسته‌اند که همچنان اسرائیل را زیر زره‌بین و در کانون توجه و ملت‌ها را نیز خشمگین نگه دارند؛ چراکه هرگونه اقدام نظامی از سوی گروه‌های مسلح، کفه ترازو را به نفع «اسرائیل» سنگین می‌کند. زیرا طرف اسرائیلی نیز چهره قربانی به خود خواهد گرفت تا به این ترتیب از اثرات ناشی از حمله به کاروان آزادی بکاهد.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت احتمال می‌رود تظاهرات مردمی گسترده‌ای برگزار شود، اما نمی‌توان احتمال حمله به مواضع «اسرائیل» و امریکا را مردود دانست.

### ◆ پیامدهای ژئوپلیتیک

اکنون رویکرد غالب طرف فلسطینی و حزب‌الله آن است که «اسرائیل» همچنان در کانون توجه و اتهام از سوی دیگران باشد بدون اینکه کسی فلسطینیان را محکوم کند

اسرائیلی‌ها باید بکوشند از موضوع کاروان آزادی تصویر یک نیرنگ چیره‌دستانه و نقشه از پیش تعیین‌شده‌ای را ازایه دهند که حاصل تفکرات تندروانه است. جدا از اینکه این اقدام ناشی از تندرروی بوده یا نه، چهره‌ای که این موضوع از اسرائیل ترسیم کرده است ضررهای فراوانی به منافع سیاسی

«اسرائیل» وارد خواهد کرد. در اینجا باید اشاره کرد که اسرائیل در انزوای روزافزونی به‌سر می‌برد و روابطش با اروپا و ایالات متحده بحرانی است.<sup>۱</sup>

سیاستمداران دیگر کشورها نیز به افکار عمومی به‌شدت حساس‌اند. تصور این موضوع

۱. نتایج بررسی کمیته‌های داخلی و بین‌المللی بر محکومیت عملیات صهیونیست‌ها علیه کاروان آزادی تأکید و تصریح دارد.

بسیار مشکل است که افکار عمومی، «اسرائیل» را قربانی بدانند. این احتمال نیز وجود دارد که محافل مردمی غرب نیز بر این باور باشند که «اسرائیل» به جای کشتار و خونریزی باید اجازه می‌داد کشتی‌های حامل کمک‌ها به غزه برسند و بارهای خود را تخلیه کنند.

دشمنان «اسرائیل» نیز آتش معرکه را شعله‌ورتر خواهند کرد؛ چراکه معتقدند اسراییلی‌ها خونریزی و کشتار را بر راه‌حلی منطقی ترجیح دادند و با پشت کردن افکار عمومی غرب به «اسرائیل» رهبران سیاسی این کشورها نیز با افکار عمومی همراه خواهند شد.

این حادثه به روابط «اسرائیل» با ترکیه نیز آسیب خواهد رسانید. این کشور هم‌پیمان تاریخی «اسرائیل» در جهان اسلام است و مدت‌هاست که با آن همکاری نظامی انجام می‌دهد. هیچ شکی نیست که دولت ترکیه در این روابط تجدیدنظر خواهد کرد اما در جبهه داخل ارتش و محافل سکولارها با مقاومت‌هایی مواجه خواهد شد. رفتاری که اسراییل اخیراً در پیش گرفته است روند قطع رابطه را هموار می‌سازد و حتی برای آنکارا ضروری است که دست به چنین اقدامی (قطع رابطه با اسراییل) بزند.

زمانی که جمعیت «اسرائیل» با تعداد ساکنان شهر هوستن ایالت تگزاس برابری می‌کرد مشخص بود که نمی‌تواند با انزوای طولانی‌مدت کنار بیاید؛ این موضوع مفاهیم ژئوپلیتیک عمیقی را در خود نهفته دارد.

اهمیت و ارزش افکار عمومی زمانی مشخص می‌شود که قضایایی از این دست در نظر ملت دارای اهمیت نباشند؛ اسراییل نیز برای دولت‌های دیگر اهمیت ماهوی ندارد.

از این رو ممکن است برانگیختن خشم مردمی علیه اسراییل منجر به آن شود که کشورهای منتقد «اسرائیل» در روابط خود با این رژیم تجدیدنظر کنند؛ به عنوان مثال تجدیدنظر در روابط امریکا با «اسرائیل» تأثیر کمتری بر امریکا دارد. شاید دولت اوباما که از «اسرائیل» خشمگین است شاهد تحولی اساسی در افکار عمومی امریکا باشد و درها را به روی فصل جدیدی از روابط با اسراییل بگشاید که چندان خوشایند «اسرائیل» نیست.

اما اسراییلی‌ها چه می‌گویند؟ آنها معتقدند که این موضوع کاملاً غیرمنصفانه است؛ چراکه



آنها مورد آزار قرار گرفته‌اند. آنها همچون انگلیسی‌ها، فکر می‌کنند راه‌حل قضیه در گرو طرفی است که با منطقی درست رفتار می‌کند. در واقع حل این موضوع نزد طرفی است که گوش شنوا دارد، همان‌گونه که جنگ با توپ و تانک و حمله نظامی با عدالت‌سازی ندارد اما در سراسر جهان با افکار عمومی و سیاست خارجی در ارتباط است. در این صورت اگر چنین اقدامی تلفاتی در پی داشته باشد باید به‌دقت آن را بررسی کرد. ادعای «اسرائیل» مبنی بر مورد آزار قرار گرفتن نیز چندان پشتوانه‌ای برای اقناع دیگران ندارد.

در عرصه بین‌المللی نیز این اتفاق بدون

شک طوفانی به‌راه خواهد انداخت و ترکیه نیز همکاری خود را با «اسرائیل» قطع خواهد کرد. افکار عمومی هم در اروپا در مقابل این قضیه جبهه خواهند گرفت و در امریکا هم که عنصر اصلی این معادله



### هر چقدر موضع‌گیری «اسرائیل» شدیدتر شود قضیه این کاروان کوچک هم جدی‌تر خواهد شد

است به مرحله‌ای خواهد رسید که هر دو طرف برایش یکسان خواهند شد و بر هر دوی آنها لعنت خواهد فرستاد.

واکنش بین‌المللی هم قابل پیش‌بینی است. موضوعی که توجه را به خود جلب می‌کند آن است که این تحولات، آتش بحران سیاسی را در داخل «اسرائیل» برخواهد افروخت. از سویی در داخل «اسرائیل» افرادی هستند که تداوم انزوای بین‌المللی را بر سازش با فلسطینیان ترجیح می‌دهند و این افراد همان کسانی هستند که اکنون در رأس حکومت قرار دارند. از سوی دیگر در بین مخالفان، افراد بسیاری معتقدند انزوای اسرائیل خطری بزرگ به‌همراه خواهد داشت؛ آنها به این دلیل استناد می‌کنند که اسرائیل نمی‌تواند در زمینه‌های اقتصادی و نظامی چنین وضعی را تاب آورد.

پاسخ حکومت فعلی این است که انزوایی در کار نیست. در مورد کاروان کمک‌های انسان‌دوستانه به غزه هم گویی هیچ اتفاقی نیفتاده است.

هر چقدر موضع‌گیری «اسرائیل» شدیدتر شود قضیه این کاروان کوچک هم جدی‌تر خواهد شد.

صهیونیست‌ها در سال ۱۹۴۸ دریافتند و فلسطینیان نیز بعد از آن آموختند که سیطره بر افکار عمومی مستلزم تیزهوشی و فراست است؛ صهیونیست‌ها درک کرده‌اند که ممکن است بازی را ببازند.

بریتانیا خسارت تحت‌الحمایگی خود را پرداخته و به اسرائیل اجازه داده است که سر جای خود باقی بماند. دشمنان اسرائیل هم بازی را به نفع خود تغییر می‌دهند. چنین مانورهایی تأثیر بسزایی در تصور عمومی از «اسرائیل» دارند.



**صهیونیست‌ها در سال ۱۹۴۸ دریافتند و فلسطینیان نیز بعد از آن آموختند که سیطره بر افکار عمومی مستلزم تیزهوشی و فراست است؛ صهیونیست‌ها درک کرده‌اند که ممکن است بازی را ببازند**

به دنبال آن، موضع ژئوپلیتیک «اسرائیل» عملیات استشهادی و یا انتفاضه را به چالش می‌کشد و هنگامی که فلسطینیان تاکتیک‌های خصمانه خود همچون عملیات انتحاری را به کار می‌برند استراتژی ترکیه مبنی بر ارایه تصویری خشونت‌طلب از اسرائیل تضعیف می‌گردد.

اکنون «اسرائیل» در شرایط بسیار سختی به سر می‌برد و نمی‌داند در مقابل این شرایط باید چه واکنشی از خود نشان دهد. از سوی دیگر نیز واضح نیست که آیا فلسطینیان می‌دانند که چگونه باید از وضعیت موجود بهترین استفاده را بکنند یا نه؛ در چنین مواردی درگیری‌ها به عرصه جدیدی منتقل می‌شوند که از کارزار پیشین انعطاف‌پذیرتر است تا بتوان از موقعیت پیشین فاصله گرفت. گام بعدی نیز دعوت به تحریم اسرائیل خواهد بود. به تهدیدات اسرائیل علیه ایران نیز از منظر متفاوت نگریسته خواهد شد و تصویری که اسرائیل از ایران ارایه

می‌کند کمترین میزان اثربخشی را در جهان خواهد داشت.

از آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که بحرانی سیاسی در اسرائیل روی خواهد داد که اگر دولت در مقابل آن مقاومت کند در مسیری قرار خواهد گرفت که می‌تواند آزادانه عمل کند اما باید تاب انزوای بین‌المللی را هم داشته باشد. اما اگر حکومت سقوط کند اسرائیل در عرصه داخلی با بی‌اعتمادی مواجه خواهد شد.

در هر دو صورت، این کاروان کوچک، مأموریت استراتژیک خود را به انجام رسانیده است؛ چراکه «اسرائیل» را بر آن داشته که با واکنشی خشونت‌آمیز وارد عمل شود و به این ترتیب در دام شرارت خود بیفتد.